



## هشدار دربارہ آفتی که اصلاح طلبان را تهدید می کند

مثبت بودن حرکت اقتصادی در تمامی کشورهای صنعتی و غیرصنعتی به شمار می رود و بدین دلیل، نظریه پردازان اقتصادی هیچ گاه از اهمیت آن غافل نمی شوند.

اما چرا طرح این انتقادات که با دقت و اندیشه صورت گرفت، نتوانست افکار عمومی را به سوی اردوی محافظه کاران روانه سازد؟ در این باره هر چند برخی نظریه پردازان جناح راست خودزنی سیاسی و مظلوم نمایی دولت و اصطلاح طلبان را عوامل اصلی ناکامی خود معرفی کرده اند، اما به نظر می رسد موضوع های مطرح شده از سوی منتقدان دولت بسیار عمیق تر و مؤثرتر از آن باشد که با ابزاری مانند خودزنی و یا مظلوم نمایی مهار شود. از سوی دیگر، تقریباً تمامی عناصر شاخص و چهره های اصلی نظام همواره بر فیم ملت ایران و درک صحیح آنان از مسایل صحنه گذاشته و آن را ستوده اند. بر این اساس، تأثیرگذاری حربه ها و ابزارهایی قدیمی مانند خودزنی سیاسی، مظلوم نمایی و مانند آن در پیشگاه ملت ایران دوران ذهن می نمایند.

در این میان، کارشناس های سیاسی در پاسخ به سؤال اخیر ابراز عقیده می کنند که ناکامی جناح منتقد دولت در بهره گیری از ادعاهای خویش بر دو عامل عدم صداقت جناح مذکور در طرح ادعاهای و نیز استفاده ابزاری از چهره ها و شخصیت های نظام برای بزرگ نمایی ادعاهای خویش استوار می باشد. در تشریح این دو عامل باید گفته شود که جناح منتقد دولت در حالی که به هنگام تصدی جایگاه ها و مناصب تقنینی و اجرایی، خود گام شگرفی را در بازگشایی گره ها و ساماندهی اوضاع اقتصادی

اقتصادی نسبت به اصلاح و توسعه سیاسی را مستفاد کرد.

دومین انتقاد جناح منتقد دولت بر محور خط فروپاشی اخلاق در جامعه ایران اسلامی استوار بود، درباره این محور نیز گفتنی آن است که مسأله پایداری اخلاق و تقلیل فساد اجتماعی از مهمترین مشکلات مبتلا به جوامع بشری در دنیای کنونی است و حتی بسیاری از کشورهای پیشرفته نیز تلاش می کنند با تقویت نهادهایی مانند خانواده و تعلیم و تربیت، رعایت اصول اخلاقی در جامعه را نهادینه و ریشه دار نمایند.

محور اصلی انتقاد جناح محافظه کار در تبلیغات خویش مسأله مهم گسترش فقر در جامعه است. درباره این محور نیز متذکر می شود که میزان فقر همواره در تمامی جوامع بشری منشا بروز فساد و مشکلات فراوان بود و یکی از دلمشغولی های تمامی دولت ها به شمار می رود. محور بعدی انتقاد جناح محافظه کار که از ابتدای مبارزات انتخاباتی مطرح شد، رشد بیکاری و شیوع معضل بیکاری جوانان و نیروی کار در کشور بود و هر چند موضوع بیکاری و لزوم مبارزه با آن به درستی از سوی مقام رهبری مطرح شد و دولتمردان نیز به حل آن اهتمام ورزیدند، لکن این مسأله به ابزاری در دست جناح منتقد دولت تبدیل شد و آندک آندک به صورت آخرین محور مهم انتقادی علیه اصلاح طلبان درآمد.

هر چند درباره اهمیت و ضرورت مقابله با بیکاری سخن گفتن مانند بردن زیره به کرمان است ولی چنان که کارشناسان نیز می گویند کاهش میزان بیکاری یکی از شاخص های مهم توسعه و

بالاخره پس از ماه ها مبارزه تبلیغاتی، آقای سید محمد خاتمی برای چهار سال دیگر به ریاست جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و سکان اجرایی کشور را در دست گرفت.

انتخاب آقای خاتمی برای دوره دوم ریاست جمهوری در حالی انجام شد که منتقدان دولت و مخالفان اصلاحات، طی ماه های اخیر به گونه ای مؤثر و روزافزون بر شدت انتقادهای خود افزودند و اتفاقاً در این انتقادها موضوع هایی مهم و در عین حال واقعی را مطرح می کردند. اما شدت همین انتقادهای بعضاً صحیح، نیز کار ساز نشد و سرانجام آقای خاتمی با تعداد آرای بیشتر نسبت به دوره قبل از مردم ایران رای اعتماد گرفت.

در این میان، سؤال مهم آن است که با وجود صحت در برخی موضوع های انتقادی و عینی بودن برخی مصادیق آن در جامعه ایران، چرا طرح این گونه انتقادات از سوی کاندیداها و شخصیت های محافظه کار مثرتر واقع نشده و تاکنون نتوانسته است مردم را به حمایت از جناح آنان ترغیب کند؟

این سؤال به ویژه از آن رو حایز اهمیت است که توجه شود؛ عمده محورها در انتقادهای طرح شده از دولت که در چند محور ذیل خلاصه می شود، موضوع هایی مهم و قابل توجه است؛ مثلاً، نخستین انتقاد صورت گرفته از برنامه های آقای سید محمد خاتمی ترجیح توسعه سیاسی بر توسعه اقتصادی بود که بحثهای زیادی را به دنبال داشت؛ این مسأله خود ریشه ای تاریخی دارد و همواره مورد جدل اندیشمندان سیاسی بوده است. در این باره شاید بتوان از حدیث شریفه من لامعاش له، لا معاد له به نوعی تقدم اصلاح و توسعه

کشور بر نداشتن بود و برابر نظر بسیاری از کارشناسان و مطلعان اقتصادی، نظریه های اقتصادی این جناح ضربه های مهمی را بر پیکر اقتصاد خرد و کلان کشور وارد کرده بود، به انتقاد از عملکرد دولت پرداخت. بدیهی است که افکار عمومی در پی این انتقادها، از خود خواهد پرسید که چرا انتقاد کنندگان کنونی، در هنگام تصدی، چهره متفاوتی از خویش نشان ندادند؟

ریشه یابی مسأله بروز فساد اخلاقی در جامعه نیز نشان می دهد که بحران های اخلاقی، ریشه در گذشته دارد و برخی بحران های موجود نیز بر اثر ضعف عملکرد نهادهایی مانند نیروی انتظامی و یا قوه قضاییه بروز کرده و بدیهی است که عملکرد نهادهای خارج از دولت نمی باید به حساب دولت آقای سید محمد خاتمی گذاشته شود.

از سوی دیگر، بررسی عملکرد پیشین نهادهای اجرایی حاکی از آن است که زمینه های بروز پدیده های نامبارکی مانند غریب زدگی، اشرافی گری و استفاده شخصی از بیت المال که عامل اصلی بروز مشکل سوء استفاده های مالی بوده و هست و مجموعاً برخی نمادهای فساد اخلاقی را در جامعه نهادینه کرده است به گذشته های دور بازمی گردد و منتقدان کنونی به

جای بیان ریشه های دیرین، به شاخه های امروزی پرداخته اند.

افزون بر این، مشکل جمعیت و بیکاری نیروی کار مسأله ای نیست که در هنگام زمامداری اصلاح طلبان پدید آمده باشد و هر چند این مشکل به هنگام تصدی آقای خاتمی و همکارانش رخ نمایانده اما بررسی ها نشان می دهد که دقیقاً برابر نظریات محافظه کاران، سیاست افزایش جمعیت توصیه شد و برخی اندیشمندان این جناح بدون توجه به تبعات و تأثیرات رشد جمعیت، افزایش تعداد فرزندان را توصیه کردند و زمانی که برخی تبعات منفی این رشد نامطلوب عینی شد، متفکران و نظریه پردازان دینی نزدیک به همین جناح، به نخستین منتقدان آن تبدیل شدند.

از سوی دیگر، رفتار جناح منتقد دولت در طرح ادعاهای خویش نمایان گر نوعی هزینه کردن شخصیت و نفوذ عناصر اصلی نظام و انقلاب می باشد. در این باره به نظر می رسد جناح منتقد دولت کاستی ها و ناکامی های خویش در صحنه سیاست را با سرمایه گذاری از شخصیت و وجهه عناصر ارشد نظام جبران می نماید و به خطر تأثیر معکوس این عمل توجه ندارد.

این نکات علل تأثیر معکوس تبلیغات انتقادی

جناح محافظه کار را بیان می کند و هر چند این تأثیر معکوس خود می تواند برای اصلاح طلبان مایه دلگرمی و امیدواری به پیروزی های مکرر آتی باشد، لکن از منظری دیگر این مسأله نگران کننده است چه آنکه در چنین شرایطی اصلاح طلبان از وجود منتقدان آگاه، فبیوم و دقیق بی بهره می شوند و از اصلاح ساختاری خویش بازمی مانند. در این باره اضافه می نماید که نبود منتقدانی فبیوم و دقیق معمولاً شرایط را برای سقوط دولت ها در دام خودکامگی و تحمل ناپذیری فراهم می سازد، چه، اگر انتقاد در شرایط عادی و بر اساس موازین منطقی ایراد نشود، معمولاً پاسخ به آن نیز در شرایط عادی و به دور از انفعال دفاعی صورت نخواهد پذیرفت و بدین ترتیب، انتقاد شونده هیچ گاه در شرایطی که به دور از جنجال و انفعال بتواند به نقد و اصلاح ساختاری خود بپردازد، قرار نخواهد گرفت.

این مسأله هشدار است مهم برای اصلاح طلبان تا فارغ از جنجال ها و بازی های سیاسی، برای احتراز از دچار شدن به سرنوشت محافظه کاران، تمبیدی مدبرانه بیندیشند و به منظور آغاز نقد درونی خویش تدبیر کنند.

ناصر کریمی جونی-تهران

## آب ولرم نمی خوریم، خون دل می خوریم!

مدیرمسئول محترم ماهنامه گزارش

با سلام. من فرشید حیرانی هستم، زندانی بدهکار اندرنگاه شماره ۸ زندان قصر. در شماره ۱۲۲- صفحه ۷ در ستون در خبرها نیامده بود... به جدولی که حقیر در رابطه با ریاضخواری به ریاست محترم قوم قضاییه نوشته بودم، اشاره داشتید و تویجا مطلب مرا تایید کرده بودید، اما شروع مطلب به شکلی بود که تو همین مستقیم به ۱۵۰۰۰ زندانی بدهکار (نه بزهارکار) چکی بود. وقتی آدمی مثل آقای فرشید حیرانی (زندانی مالی) کاری نداشته باشد، جز آب ولرم خوردن در زندان... عزیزان، من در زندان قصر هستم، اسیر در دستان قوه قضاییه و می بینید که آنها اجازه می دهند نشریه شما به دست ما برسد. آیا این دل در شما هست که مطلب مرا بدون

سانسور چاپ نمایند؟ این گوی و این میدان برای شما دوم خردادی های عزیز!

آنچه بر سر ما زندانیان اسیر قانون چک آمده، باعث شده قشر کثیری از تولید کنندگان و مدیران این مرز و بوم در پشت میله های زندان در انتظار اصلاح قانون چک توسط مجلس اصلاحات بمانند. همان نمایندگان و مجلسی که با یک قیام و قعود و در عرض چند دقیقه با مسکوت گذاشتن طرح اصلاح قانون چک به مدت ۴ ماه سرنوشت ۱۵۰۰۰ انسان زندانی و ۱۰۰۰۰۰ خانواده های آنان را به بازی گرفتند.

مادر زندان بیکار نیستیم، جدولی که تهیه شده، نشانه ظلمی است که بر این قشر مظلوم رفته و در این ظلم شما هم شریک هستید که همفکران و

همرزمانتان اسیر قیل و قال و بازی های سیاسی در مجلس، طرح اعزام دختران دانشجو به خارج را بررسی می کنند اما سرنوشت ده ها هزار زندانی بدهکار اسیر را به فراموشی می سپارند.

عزیزان من! زندانی مالی آب ولرم نمی خورد، خون دل می خورد، نه از دست تصویب کنندگان قانون چک مصوب سال ۱۳۷۲ که در دست یا غلبه آن معتقد بوده اند. زندانی بدهکار خون دل می خورد که نمایندگان مجلس اصلاحات در شهریور ۷۹ به زندان قصر آمدند و در سخنان خود از تلاش برای آزادی زندانیان چک و مقاومت ریاست قوه قضاییه در این رابطه سخن گفتند. اما در عمل عکس آن را مشاهده کردیم. وا مصیبتا که زندانبان ما آقای بختیاری در هر مصاحبه و سخنرانی خود از

بدهکاران در بندهای مالی با احترام یاد می کنند. مدیر زندان و رییس اندرزگاه به جز احترام و ادب با این قشر سخن نمی گویند اما نشریه روشنفکری ما وقتی هم که می خواهد مطلبی بنویسد به آب ولرم خوردن در زندان و بیکار بودن زندانیان اشاره می کند. اگر دل دارید و کمی شهامت، قدم رنجه فرمایید و به اندرزگاه ۸ زندان قصر بیاوید و ساعتی پای صحبت، طرح و برنامه و درد این افراد بنشینید. باور کنید از خیلی از مدعیان چیزی کم ندارند. مادر زندان قصر بیکار نیستیم و آب ولرم نمی خوریم. خون دل می خوریم.

به قول سعدی از دست دوستان فریاد...

ما خود افتادگان مسکینیم

حاجت تیغ بر کشیدن نیست

فرشید حیرانی - مهندس شیعی

زندانی بدهکار اندرزگاه شماره ۸ زندان قصر

تحریریه گزارش - نشریه گزارش یازده سال

است با همین روش منتشر می شود، لذا مولود دوم خرداد نیست که دوم خردادی نامیده شود. مباحث و مطالب مجله خود گواه است که هیچگونه دوستی یا دشمنی هدفدار با این یا آن جریان سیاسی نداریم. در مورد زندانیان بدهکار قبلاً مطالبی نوشته ایم و قانون چک و نارسایی های آن را هم مورد نقد و بررسی قرار داده ایم. اما راجع به تنها موضوعی که مطلب نداشته ایم، همان طرح اعزام دختران دانشجو به خارج است.

در مورد شروع طنزآمیز خیر مورد بحث، هدف ما نیش زدن به شما و دیگر بندیان مالی نبود، بلکه هدف نیشخند زدن به سیستمی بود که با سفته بازی

و نزول خواری به راحتی و بدون دردسر میلیاردها به جیب می زنند، اما عده ای از نیروهای کار آفرین به خاطر مبلغی بدهی باید سال هادر کنج زندان آب ولرم بخورند.

اکنون یقیناً در زندان قصر هم دستگاه های آب سرد کن وجود دارد. اما زمانی بود که چنین امکاناتی وجود نداشت و زندانیان (از جمله زندانیان مالی) مجبور بودند در تابستان آب ولرم بیاشامند.

به هر حال، قصد اسایه ادب نداشته ایم. امیدواریم مجلس شورای اسلامی نه تنها مشکل شما عزیزان را مورد توجه قرار دهد، بلکه برای پایان دادن به نظام غلط بانکداری مالی کنونی، که فقط به سود بولداران، رانت خواران، سفته بازان و نزول خواران است، تمهیداتی کار ساز بیندیشد.

## ما را با راست و چپ کاری نیست!

کانون توجه قرار گرفته است و آقایان راجع به سایر شرکت ها سکوت پیشه کرده اند؟ چرا؟ ما نمی دانیم. ولی می دانیم که سازمان بازرسی کل باید در این زمینه اقدام کند.

۲- انعقاد قرارداد های بیع متقابل که از همان ابتدا معتقد بوده ایم به زیان منافع ملی است و هنوز هم بر این باور استواریم و خوشحالیم که دست کم، این روزها صحبت از تحقیق و تفحص در این امور است.

۳- تقسیم مناطق نفت خیز و گاز خیز کشور به نقاط جغرافیایی معین و هدفدار و قرارداد دادن اختیار اداره هر یک از این مناطق به هیأت هایی خاص.

ملاحظه می فرمایید که ابعاد قضیه بزرگ تر از آن است که در سخنرانی آیت الله جنتی یا مطالب روزنامه های مورد اشاره شما آمده است. حال چرا دامنه انتقاد و بررسی را تا این حد محدود کرده اند و چرا روزنامه های اصلاح طلب هم به این مسایل بی توجیبی نشان می دهند، به خودشان مربوط است. آنچه به ما مربوط است، اطلاع رسانی بی غرضانه در این زمینه هست که گمان می کنیم در حد توان اندکمان، انجام داده ایم و در آینده نیز با یاری حضرت حق انجام خواهیم داد.

بیان کرده اند و یا مطالبی است که روزنامه های منتسب به جناح راست در مورد فعالیت های شرکت پتروپارس نوشته اند، باید مطالبی را به عرض شما و بقیه مخاطبان مجله برسانیم:

خیلی پیش از آن که حضرت آیت الله جنتی و یا روزنامه های فوق الذکر به گوشه ای از مسایل مربوط به وزارت نفت گوشه چشمی بیندازند، مجله گزارش در مقالات، گزارش ها و خبرهای متعدد (در خبرها نیامده بود که...) به تحولاتی مشکوک و قابل پیگیری در وزارت نفت، شرکت ملی نفت، شرکت ملی گاز و دیگر سازمان های وابسته، مستنداً اشاره کرده بود. اگر شماره های مختلف مجله از سال ۱۳۶۶ به این سو را ورق بزنید، ده ها مطلب خواهید یافت و با مطالعه آنها متوجه خواهید شد که آنچه اخیراً نقل محافل و ورد زبان ها شده، نسبت به آنچه ما نوشته ایم، بسیار ناچیز است. مطالب مجله گزارش حول سه محور اساسی بوده است:

۱ - خصوصی سازی جی سرو صدا در شرکت های نفت و گاز. از میان ده ها شرکت نیمه خصوصی، نیمه دولتی تأسیس شده نفتی در سال های اخیر، اکنون فقط شرکت پتروپارس در

وقتی فرمایشات آیت الله جنتی در مورد سوء استفاده در شرکت و وزارت نفت منتشر شد و پس از آنکه روزنامه هایی نظیر رسالت، کیهان، سیاست روز و سایر نشریات مدافع مواضع جناح راست، راجع به تخلفات شرکت پتروپارس مطالبی را منتشر کردند، دچار سردرگمی شدیدی شدم، زیرا تاکنون می پنداشتم مجله گزارش مستقل است و فارغ از موضع گیری های جناحی مرسوم در کشور عمل می کند. اما تشابه آن موضع گیری ها با مطالبی که قبلاً در مجله گزارش خوانده بودم، این باور را به شدت متزلزل کرد. آیا این تشابه تصادفی است یا به واقع بین شما و جناح راست سر و سری وجود دارد؟ انتظار دریافت پاسخ صادقانه ای را دارم.

کرمان - ظهیر شرفی

تحریریه گزارش: صادقانه بگوییم که ما هم به نوبه خود از سر خوردگی شما دچار حیرت شدیم! کدام یک از مواضع یا مقالات مجله باروش ما و سیاست های جناح راست، یا چپ و یا حتی کارگزاران نزدیکی، مشابهت یا همخوانی دارد؟ اگر نظر شما معطوف به مواردی است که آیت الله جنتی

## مقایسه کنید اینجارا با آنجا!

رنجنامه هنوز با برجاست و مزاحم هم هست. نکته عطف و جای اعتراض شدید و تأسف در اینجاست که به اینجانب اعلام کردند که کشیدن ریشه دندانتان مستلزم عمل جراحی است که می بایستی در بخش خصوصی و با هزینه خودتان انجام بپذیرد!

در بحبوحه جنگ تحمیلی هشت ساله، از موجودی خزانه تأمین اجتماعی، برداشت و صرف خرید کشتی های نفتکش و سایر کارها شد، بانک رفاه کارگران هم که با دسترنج و سرمایه کارگر ایرانی، دایر شده، به امام زاده پی معجزه می ماند، زیرا دو سال است متقاضی وام پنجاه هزار تومانی برای کمک هزینه تحصیلی فرزندم - دانشگاه آزاد... هستم، که اگر هم بدهند، لازمه اش عبور از هفت خوان رستم است.

آن از ارایه خدمات درمانی از سوی تأمین اجتماعی و این هم از وام دهی بانک اختصاصی کارگران. هر دوی این سازمان ها باید بیشترین خدمات را به قشر کارگر (شامل یابان نشسته) بدهند، اما از ارایه حداقل هم خودداری می کنند، خدماتی نظیر سازمان تأمین اجتماعی آلمان پیشکستان! دست کم ترتیبی بدهید که اگر دندانپزشک و یا دندان کش تجربی شما، دندان بیمه شده را شکست تاوانش را بیمه شده بخت برگشته ندهد.

رسول آقلمیان - مشهد

یا چند بار زیر عمل جراحی قرار گرفته اند یا به نوعی به بیماری اعصاب و روان مبتلا شده اند، یکی از هتل های متعدد متعلق به سازمان تأمین اجتماعی آلمان که معمولاً در مناطق جنگلی قرار دارند، معرفی و به مدت چهار هفته در آنجا تحت نظر مجرب ترین پزشکان و با برخورداری از بهترین امکانات، پذیرایی می شوند. حال این امکانات را با امکانات سازمان تأمین اجتماعی کشور خودمان مقایسه فرمایید.

برشمردن نارسایی های تأمین اجتماعی ایران، در کلیه شرح وظایف این ارگان حیاتی، مشهود و ساده است که به عنوان یک نمونه امکانات دندانپزشکی این سازمان زیر ذره بین قرار داده می شود و من تجربه شخصی خودم در این زمینه را بازگو می کنم: با ارایه دفترچه معتبر به یکی از مراکز درمانی مراجعه کردم. پس از حدود دو ساعت انتظار، زیر دست دندانپزشک تجربی می نشینم که دندان کرسی مرا بکشد. دندان آسیابم به دلیل پوسیدگی، خرد و تکه، تکه شد و قسمت زیرینش در لثه ام ماند - که در لحظه نگارش این

ما این حق و اجازه را داریم که عملکرد پسندیده عارف و عامی مربوط به هر فرد، هر قوم و ساکنین هر کشوری و حتی صفات و رفتار یا ویژگی های نیکوی حیوانات را هم، الگو قرار داده و در مقام اصلاح خویشتن خویش برآمده و در غایت به آسایش و رفاه بیشتری دست یابیم.

ساکنین در کشور مثالی ما آلمان اعم از بومی یا تبعه ای ممالک دیگر؛ در برابر دو مورد حیاتی؛ الف - بیماری؛ ب - بیکاری؛ و عطف به قانون اساسی آنجا؛ بیمه صددرصد هستند. بدین شرح که اگر هزینه ای در زمان یک فرد بیمار، رقمی نجومی داشته باشد؛ تأمین و پرداخت کل آن رقم، به عهده ی ذیحسابی تأمین اجتماعی آنجاست و صد البته، از بیمار، پیشیزی مطالبه نمی شود. فقط تحویل داروی مورد تجویز طبیب به بیمار؛ مستلزم پرداخت مبلغ ناچیزی، نیز عنوان فرانثیت از سوی ارایه دهنده ی نسخه، به فروشنده ی داروست و هر گونه لوازم و وسایل ارتوپدی، کمک درمانی و مورد لزوم برای هر نوع بیماری؛ به طور کامل، رایگان است. در آن دیار و با تشخیص طبیب، و به ویژه افرادی که یک

## تذکری درباره یک اشتباه

ماهانامه گرامی گزارش

با سلام و خسته نباشید،

ضمن تشکر و قدردانی از مقاله ی ارزشمند آقای دکتر هوشنگ گنجه ای با عنوان: دور جدید کشتار زبان فارسی در بنگاه زبان فارسی در شماره خرداد ۱۳۸۰ آن نشریه ارجمند، دریغ آمد یادآور نشوم که تصویر چاپ شده در صفحه ۳۹، مقبره شاه اسماعیل سامانی است. که سبوا آرامگاه رودکی سمرقندی در بخارا ذکر شده است.

بیمورد ندیدیم تصویر عکس هایی را که سال گذشته ضمن بازدید اینجانب از محل مذکور در بخارا برداشته شده است، ذیلاً تقدیم دارم.

ارادتمند، دکتر سعید شیپانی

تجربیه: آن تصویر را از اینترنت استخراج کرده بودیم. توضیحات ذیل عکس این معنا را به ذهن متبادر می کرد که تصویر مربوط به آرامگاه رودکی است. مع هذا اشتباه خود را می پذیریم و با تشکر از شما یکی از تصاویر ارسال را برای بزرگداشت فرمانروایی که در احیای فرهنگ و تاریخ ایران و زبان شیرین فارسی سبمی در خور توجه دارد، چاپ می کنیم.

